

نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام

○ تهماسب طالبی



○ نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام

○ تألیف: دکتر حمید عنایت

○ با تصحیح و مقدمه؛ دکتر صادق زیباکلام

○ ناشر: روزنه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷؛ چاپ دوم، ۱۳۷۸

زندگیش، جان به جان آفرین تسلیم کرد.^۱ از خلال آثار ایشان به ترجمه سه داستان کوتاه از جورج برناردشوا، جک لندن و گی دو موپاسان که از نخستین ترجمه‌های ایشان است، می‌توان اشاره کرد. نخستین اثر وی تحت عنوان شش گفتار درباره دین و جامعه در سال ۱۳۵۲ انتشار یافت. سیری در اندیشه سیاسی عرب از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم (سال ۱۳۵۶) و اندیشه سیاسی در اسلام معاصر از آثار علمی ایشان محسوب می‌شود.

بخش اول: نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام

مؤلف در ابتدای این بخش به بیان تقسیم‌بندی مشهور در رابطه با تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران، از نظر مورخان پرداخته،

شد. در سال ۱۳۳۴ با هزینه شخصی خود برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد و سرانجام در سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ درجه دکتری گردید. رساله دکتری ایشان، بنا به اظهار دکتر صادق زیباکلام (نویسنده مقدمه کتاب) پیرامون «تأثیر فرهنگ غرب بر اندیشه سیاسی اعراب» بوده است. مرحوم عنایت در سال ۱۳۴۳ به کشور سودان رفته و پس از یک سال تدریس در «دانشگاه خارطوم» به انگلیس رفته و پس از چند ماه اقامت در آنجا در سال ۱۳۴۵ پس از ۱۱ سال دوری از وطن به ایران بازگشته تا سال ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق مشغول بوده در تیرماه ۱۳۶۱ زمانی که به همراه خانواده‌اش از جنوب فرانسه رهسپار انگلستان بود دچار سکنه قلبی شده و پس از چند دقیقه، پیش از فرا رسیدن پنجاهمین بهار

کتاب نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام، در حقیقت جزوه درسی مرحوم دکتر حمید عنایت برای تدریس درس فوق در آخرین سال‌های دهه چهل می‌باشد. این جزوه تاریخی نبوده و به بررسی سازمان‌های اجتماعی و سیاسی ایران باستان می‌پردازد. بخش دیگر این جزوه درخصوص اندیشه سیاسی در اسلام بوده، بخش پایانی آن که به شکل ضمیمه آورده شده، درخصوص برخی از اصطلاحات و طبقه‌بندی‌های اجتماعی ایران قبل از اسلام است.

مرحوم سید حمید عنایت در سال ۱۳۱۱ هـ. ش. در یک خانواده متوسط در تهران متولد شد. در سال ۱۳۲۹ به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران راه یافت و پس از سه سال در سال ۱۳۳۲ در رشته علوم سیاسی با احراز رتبه اول فارغ‌التحصیل

متذکر می‌شود: برخی از مورخان معتقدند که در سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی ایران، هیچگاه تغییرات اساسی رخ نداده است به گمان ایشان، تاریخ ایران، جز داستان تسلسل حکومت‌ها و دودمان‌های شاهی چیز دیگری نیست دیاکونوف و هر تسفلد از این گروهند.

گروهی دیگر از دانشمندان به سیر یک بعدی تحولات تاریخی باور داشته و معتقدند: تاریخ هر قوم ناگزیر از سپری کردن مراحل جامعه اشتراکی، ابتدایی و بردگی و فئودالی و بورژوازی است. این اندیشمندان اکثراً مارکسیست هستند.

گروه سوم: اندیشمندانی هستند که چگونگی سیر تحولی جامعه و اندیشه ایرانی را دارای اوصاف خاص خود و متفاوت از جوامع دیگر دانسته و با بکارگیری مفاهیم جامعه‌شناسی اروپایی در مورد تاریخ اجتماعی، اقتصادی ایران مخالفتند. محققانی چون هانری کوبن و لمتون از همین گروه محسوب می‌شوند.^۲ دکتر عنایت معتقد است: نظریه دانشمندان دسته سوم با حقیقت تاریخ ایران مطابقت بیشتری دارد.

تعریف فئودالیسم و چگونگی شکل‌گیری این سیستم در اروپا از دیگر مباحث کتاب است. به نظر مؤلف هر گاه شرایط ذیل در جامعه‌ای پدید آید، فئودالیسم نیز در آن جامعه نمایان می‌شود. این شرایط را می‌توان اینگونه دسته‌بندی کرد:

۱. شکل اصلی تولید کشاورزی باشد.
۲. جامعه به اقوام و قبایل متعددی تقسیم شود.

۳. روابط میان نقاط مختلف مملکت به علل جغرافیایی یا علل دیگر دشوار یا ناممکن باشد.
۴. وحدت اقتصادی مملکت دچار تجزیه شود یا به علت نبود وحدت اقتصادی، وحدت سیاسی کشور امکان‌پذیر نباشد.

۵. حکومت مرکزی نتواند اتباع خود را در برابر ستمگران داخلی و مهاجمان خارجی حفظ کند.
آنگاه مؤلف با توجه به ملاکها، به بررسی نظام اجتماعی و سیاسی ایران (قبل از اسلام) به جهت تبیین میزان فئودالی بودن این جوامع می‌پردازد.

مؤلف پس از تقسیم‌بندی اجتماعی جامعه ماد اظهار می‌دارد که: «مطالعه دقیق اوضاع جامعه ماد نشان می‌دهد که آن جامعه را نمی‌توان به طور مطلق مبتنی بر نظام بردگی دانست.»^۳ آنگاه سه ویژگی برای جامعه بردگی برمی‌شمرد که جامعه مادی عاری از آن است.

شیوه تولید آسیایی نیز بخشی از کتاب را شامل می‌شود. این اصطلاح اولین بار در دهه پنجم قرن ۱۹ از سوی ریچارد جوتز و جان استوارت میل در توصیف نظام اقتصادی کشورهای آسیایی به کار رفت.

دکتر عنایت در بررسی شاهنشاهی هخامنشی

در زمان سلوکیان، مملکت کارایی لازم را در زمینه فعالیت‌های کشورداری به واسطه وجود اقوام گوناگون از دست داد و در این زمان به دلیل نفوذ سازمان یونانی از جمله نظام برده‌داری از یک سو و از سوی دیگر، افزایش روزافزون بردگان جنگی، شاهد رواج برده‌داری در ایران هستیم

مؤلف [دکتر حمید عنایت]، اصل و

سرچشمه اولیه معتزله را،

اختلافات سیاسی آغاز اسلام دانسته است.

زیرا نخستین بار، این اصطلاح (معتزله)

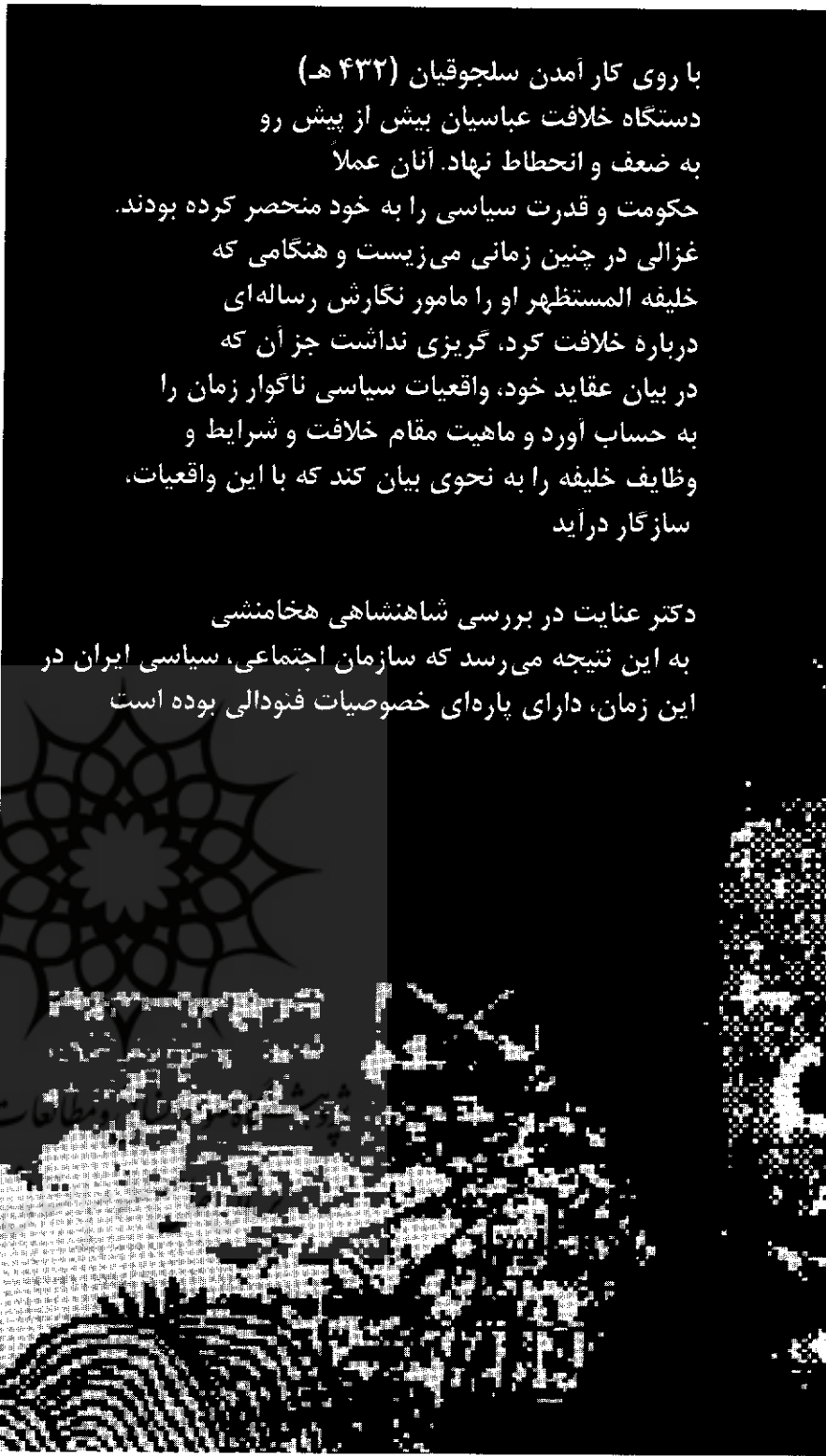
در مورد آن دسته از رجال مسلمان به کار رفته است

که خلافت علی (ع) را پس از عثمان نپذیرفتند

و یا در پذیرش آن، اکراه داشتند

حمله اسکندر به ایران، عامل برقراری وحدت سیاسی در ایران شد این امر به واسطه ... ۱- اتکا و اطمینان اسکندر به مردم مقدونی و ۲- اقدام اسکندر در تقسیم قدرت شهرنشین‌ها (به صورت کاهش اختیارات مالی و نظامی آنان) بود.^۴ در زمان سلوکیان، مملکت کارایی لازم را در زمینه فعالیت‌های کشورداری به واسطه وجود اقوام گوناگون از دست داد و در این زمان به دلیل نفوذ

به این نتیجه می‌رسد که سازمان اجتماعی و سیاسی ایران در این زمان دارای پاره‌ای خصوصیات فئودالی بوده، پیدایش نظام ساتراپی بر اثر گسترش سرزمین‌های شاهنشاهی ایران از عوامل رشد فئودالیسم در کشور و عامل توزیع قدرت سیاسی به شمار می‌رفته است. و به علاوه ویسپان^۵ نیز از دیرباز قدرت و اعتباری بدست آورده و در برابر خواست‌های حکومت مرکزی مقاومت می‌کردند.^۶



با روی کار آمدن سلجوقیان (۴۳۲ هـ) دستگاه خلافت عباسیان بیش از پیش رو به ضعف و انحطاط نهاد. آنان عملاً

حکومت و قدرت سیاسی را به خود منحصر کرده بودند.
غزالی در چنین زمانی می‌زیست و هنگامی که
خلیفه المستظهر او را مامور نگارش رساله‌ای
در باره خلافت کرد، گریزی نداشت جز آن که
در بیان عقاید خود، واقعیات سیاسی ناگوار زمان را
به حساب آورد و ماهیت مقام خلافت و شرایط و
وظایف خلیفه را به نحوی بیان کند که با این واقعیات
سازگار درآید

دکتر عنایت در بررسی شاهنشاهی هخامنشی
به این نتیجه می‌رسد که سازمان اجتماعی، سیاسی ایران در
این زمان، دارای پاره‌ای خصوصیات فنودالی بوده است

داشتن روستاییان از خراج‌های ناحق و زورگویی‌های
تیولداران که بزرگ‌ترین مسئله اجتماعی و اقتصادی
ایران از زمان هخامنشیان به این سو به شمار
می‌رفت با چاره‌های «دردکش» و زودگذری از نوع
اصلاحات انوشیروان آسان‌شدنی نبود.

پرداختن به اهمیت سیاسی دین زرتشت،
بخش دیگری از کتاب را شامل می‌شود که با
توضیح تعالیم آئین زرتشت و سرگذشت وی آغاز
می‌شود. به نظر نویسنده، مهم‌ترین جنبه آیین
زرتشت که اهمیت سیاسی داشته و باید به آن
پرداخته شود عقیده زرتشتیان در رابطه با قدرت
شهریاران است چرا که معتقدند: دین و شهریاری دو
برادرند که هیچ یک بی دیگری نتواند زیست.
شهریار می‌بایست با پیروی از دین زرتشت، جلوی
فساد‌پذیری را بگیرد. وظیفه وی دادگری است و
این هم جز با خرد و حکمت حاصل نشود که خرد و
حکمت را هم فقط در آیین زرتشت می‌توان یافت.^۱
در بخش مانویه و مزدکیه پس از اشاره‌ای
مختصر به سرگذشت و تعالیم آنان، به بیان
ویژگی‌ها و خصوصیات تعالیم مانی و مزدک
پرداخته شده است.

چنانکه برای آیین مانی سه خصوصیت ذکر
شده:

دین مانی، دینی جهانی است بدین معنی که
هدفش گسترانیدن آموزش‌های مانی در سراسر
گیتی است.

۲- دین مانی، به علت جهانی بودن، تبلیغی
است یعنی پیروان آن، موظف به تبلیغ و اشاعه آن
در سراسر جهان هستند.

۳- دینی مکتوب است بدین معنی که
آموزش‌های مانی در اصل به صورت مجموعه
بزرگی از نوشته‌های خود او مضبوط و فراهم بوده
است.^۲

جنبش مزدک نیز دارای دو ویژگی مشخص و
در عین حال پیوسته به هم بوده است: خصلت دینی
و خصلت اجتماعی.

عامل پیدایش مزدکیه از لحاظ دینی اصلاح
آموزش‌های مانی بوده و از بعد اجتماعی نیز، مزدک
در تعالیم خود برابری اجتماعی را تنها راه رستگاری
بشر دانسته است.

نخستین بینش‌های ایرانی و اسلامی از تاریخ،
صفحاتی از کتاب را به خود اختصاص داده است.
این بخش با این سوال آغاز می‌شود: چرا برای
شناخت اندیشه سیاسی هر قوم، ملاحظه تصور آن
قوم از تاریخ و سیر زندگی کیهانی ضرورت دارد؟
پاسخ این است: «اصول و شیوه تاریخ‌نویسی، نحوه
تفکر آن قوم را درباره مفاهیمی چون ایستایی و یا
پویایی جامعه و آزادی اراده یا جبر یا مقام انسان در
دستگاه کاینات و جز آن معین می‌کند»^۳ به نظر
دکتر عنایت بینش ایرانیان پیش از اسلام درباره

از نظر طبقاتی پرداخته شده است. مؤلف در توصیف
زمانداری انوشیروان می‌نویسد: «انوشیروان، برای
تضعیف تیولداران و تقویت حکومت مرکزی، دو
سیاست وابسته به هم پیش گرفت که یکی آباد
کردن و نوساختن روستاها، پل‌ها و قنات‌ها و دیگری
اصلاح نظام مالی شاهنشاهی بود.»^۴
اما این اقدامات هم چندان مثمر ثمر نبود. زیرا
تا زمانی که رسم تیولداری باقی بود مشکل مصون

سازمان سیاسی یونان از جمله نظام برده‌داری از
یک سو و از سوی دیگر، افزایش روزافزون بردگان
جنگی، شاهد رواج برده‌داری در ایران هستیم.
فتودالیسم پارتی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن
با فتودالیسم اروپایی، ۸ صفحه بعدی کتاب را
دربرمی‌گیرد.
عنوان جامعه طبقاتی ساسانی از دیگر مطالب
کتاب است که در آن به ویژگی‌های جامعه ساسانی

تاریخ تا اندازه بسیاری، تابع آموزش‌های زرتشت در خصوص سیر عمومی زندگی بشر بود. باقی مطالب این بخش به تاریخ‌نویسی مسلمانان از قرون چهارم و پنجم تا زمان ابن‌خلدون اختصاص دارد.

اندیشه‌های سیاسی در اسلام که اولین قسمت از بخش دوم کتاب را دربر می‌گیرد با مقایسه اندیشه‌های سیاسی در اسلام و سایر ادیان توحیدی آغاز شده، در ادامه به بیان چگونگی شکل‌گیری اولین مناقشه سیاسی در اسلام (پس از پیامبر) و نیز تجزیه و تحلیل اندیشه‌های خواجه و نحوه پیدایش این فرقه پرداخته است.

به نظر مؤلف، خواجه با برپایی نهضت، مسلمانان را به دو حق آگاه و آشنا ساختند: «یکی حق شورش بر ضد حاکم و دیگری حق مسلمانان برای انتخاب آزادانه حاکم، خواه از قریش باشد و خواه نباشد.»^{۱۲}

پیدایش و اهمیت فرقه معتزله، مبحث بعدی کتاب است. مؤلف اصل و سرچشمه اصلی و سرچشمه اولیه معتزله را، اختلافات سیاسی آغاز اسلام دانسته است زیرا «نخستین باره این اصطلاح (معتزله) در مورد آن دسته از رجال مسلمان به کار رفته است که خلافت علی(ع) را پس از عثمان نپذیرفتند و یا در پذیرش آن اکره داشتند. معروف‌ترین این رجال طلحه و زبیر... بودند.»^{۱۳} مؤلف بررسی اوضاع سیاسی ادوار خلافت هارون الرشید و پسرش مأمون (از سال ۱۷۰ تا سال ۱۹۸ هـ. ق) برای شناخت افکار معتزلی ضروری می‌بیند و به تشریح آن می‌پردازد.

نظریات شیعه در امامت، قسمت دیگری از مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد. اصول نظریات شیعه درباره امامت دارای دو خصوصیت تاریخی بوده است: «نخست آنکه در سراسر ادوار تاریخ اسلام، مبانی این نظریات به شکلی که مورد تصدیق عامه شیعیان باشد برای مدت کوتاهی در زمینه حکومت و کشورداری به موقع اجرا نگارده شد و آن مقارن دوره چهار سال و شش ماه خلافت حضرت علی(ع) بود. خصوصیت تاریخی دوم نظریات شیعه، درباره امامت این است که تدوین این نظریات متجاوز از سه قرن پس از آغاز تاریخ اسلام صورت گرفته است.»^{۱۴}

بررسی آراء و اندیشه‌های شیخ محمد حسین نائینی به عنوان یکی از نتایج مهم و عمیق عقاید شیعه در تفکر سیاسی شیعیان و روش آنان در برابر حکومت وقت مورد تجزیه و تحلیل مؤلف قرار گرفته است.

خلافت از نظر اهل سنت، به بررسی آراء و اندیشه‌های ماوردی، غزالی، بدرالدین ابن جماعه پرداخته است. به نظر مؤلف پیدایش نظریات این علما و داورى درست درباره عقاید و آراء ایشان در

صورتی ممکن است که خصوصیات سیاسی و تاریخی دوره زندگی این متفکران را از نظر دور نداریم.»^{۱۵}

جنبش‌های استقلال‌طلبانه ایرانیان در شرق، تسلط امویان بر اندلس، روی کار آمدن طولونیان و فاطمیان در مصر و حکومت ادریسیان و اغلییان^{۱۶} بر شمال آفریقا، اندک اندک به تجزیه امپراتوری عباسیان منجر شد.

دستگاه خلافت عباسی در بغداد از اواخر قرن سوم هجری به آلت بی‌اراده‌ای در دست حکام مقتدر و کارگزاران خلیفه در نقاط گوناگون امپراتوری بدل گشت. در نتیجه این قضایا، قدرت دینی و روحانی خلیفه پابرجا باقی ماند و قدرت سیاسی به دست حکام دیگر افتاد. موضوع شیعیان (به‌ویژه)، این موضوع را برهان قاطعی بر نادرستی روش اهل سنت در انتخاب خلیفه قلمداد می‌کردند این امر باعث شد فقها و متکلمین اهل تسنن، به تدوین اصول سنی خلافت، همت گمارند و با مکتوبات خویش، از یک سو حیثیت و حرمت خلیفه را به عنوان پیشوای قاطبه مسلمانان، محفوظ بدارند و از سوی دیگر برای انتقال قدرت سیاسی از دست او به دست کارگزاران او یا عاصیان، عذری آورده و محملی بتراشند. ماوردی که معاصر خلیفه القادر (۴۲۲ - ۳۸۱ هجری) و خلیفه مقتدی، و همچنین خدمتگزار ایشان بوده از جمله این افراد است.

کتاب ماوردی، احکام السلطانیه نام دارد. وی در این کتاب کوشیده تا از یک طرف وظایف و اختیارات خلیفه و جزئیات روابط او با اتباع خویش را آنچنان که مقتضی موازین شریعت اسلامی است شرح دهد و بدین‌گونه اهل سنت را به وجوب احترام به خلیفه و پیروی از او آگاه گرداند و از طرف دیگر انحطاط و ضعف دستگاه خلافت را به نحوی توجیه کرده و آن را تابع قواعد و ضوابط معینی گرداند. مؤلف هم در این راستا، مواردی از نظرات ماوردی همچون لزوم خلافت، شرایط خلافت، وظایف خلافت را متذکر شده است.

ابو حامد محمد غزالی، از اندیشمندان مطرح در عالم اسلام است. درک اندیشه‌های غزالی، ارتباط تنگاتنگی با اوضاع و احوال زمان وی دارد.

با روی کار آمدن سلجوقیان (۴۳۲ هجری) دستگاه خلافت عباسیان بیش از پیش رو به ضعف و انحطاط نهاد. آنان عملاً حکومت و قدرت سیاسی را به خود منحصر کرده بودند.

حتی پایتخت ایشان که در مرو و سپس در اصفهان بود، در اواخر سلطنت ملکشاه به بغداد منتقل شد. مقارن این اوجگیری قدرت سلجوقیان، خلافت بیش از پیش مهجور قدرت سلطان شد و دیگر خلیفه کسی نبود جز مقامی ظاهری که به هنگام اجرای تشریفات با البسه فاخر بر تخت می‌نشست و نامش در خطبه‌ها نیز در کنار نام

ماوردی در کتاب احکام السلطانیه کوشیده تا از یک طرف وظایف و اختیارات خلیفه و جزئیات روابط او با اتباع خویش را، آنچنان که مقتضی موازین شریعت اسلامی است شرح دهد و بدین‌گونه اهل سنت را به وجوب احترام به خلیفه و پیروی از او آگاه گرداند و از طرف دیگر انحطاط و ضعف دستگاه خلافت را به نحوی توجیه کرده و آن را تابع قواعد و ضوابط معینی گرداند

سلطان می‌آمد. غزالی در چنین زمانی می‌زیست و هنگامی که خلیفه المستظهر او را مامور نگارش رساله‌ای درباره خلافت کرد، گریزی نداشت جز آن که در بیان عقاید خود، واقعیات سیاسی ناگوار زمان را به حساب آورد و ماهیت مقام خلافت و شرایط و وظایف خلیفه را به نحوی بیان کند که با این واقعیت سازگار آید. غزالی علاوه بر کتاب المستظهری در دو کتاب دیگر یعنی الاقتصاد فی الاعتقاد و احیاء علوم الدین از سیاست و خلافت سخن رانده است، صفات، خصائل و وظایف خلیفه از جمله موضوعاتی است که نویسنده با توجه به نظرات غزالی به بیان آن پرداخته است.

بدرالدین ابن جماعه (۶۳۹ - ۷۳۳ هـ. ق)، از دیگر اندیشمندان مورد بحث کتاب است. رساله مشهور او، تحریر الاحکام فی تدبیر الاسلام نام دارد. لازم به ذکر است که عالم اسلام، شاهد تحولات شگرفی در فاصله زمانی مرگ غزالی ۵۰۵ هجری تا نگارش کتاب مذکور بود. از جمله مهمترین این وقایع، زوال عباسیان بود. از کشتار هراس‌انگیز مغولان در بغداد تنها یکی از افراد خاندان عباسی، جان سالم به در برد و او، عم خلیفه المستعصم بود که نخست به شام و سپس به مصر

**مدینه فاضله از دیدگاه فارابی،
جامعه‌ای است که اولاً:
مقصود غایی آن،
سعادت حقیقی باشد و ثانیاً:
همة افرادش یکدیگر را
برای وصول به این غایت
یاری دهند و ...**

مشروع دانست.»^{۱۸}
آخرین قسمت از مباحث کتاب به اندیشه‌های
ابونصر فارابی - بنیانگذار فلسفه سیاسی در اسلام -
اختصاص یافته است. شرح حال مختصر فارابی
(۲۳۹ - ۲۶۰) و بررسی اندیشه‌های سیاسی وی از
دیگر مطالب این بخش است. «فارابی وظیفه علم
سیاست یا به گفته خود او «علم مدنی» را کاوش در
انواع کارها و رفتارهای ارادی و صفات پسندیده و
اخلاق و سجایا و خوی و سرشتی می‌داند که منشأ
آن کارها و رفتارهاست.»^{۱۹} به نظر فارابی همچنانکه
سیاست به دو نوع راستین و دروغین تقسیم
می‌شود، رهبری نیز به دو گونه است: نخست
رهبری جامعه‌ای که غایت همه کارها و سنت‌ها و
ملکات ارادی در آن، سعادت حقیقی است و در
اصطلاح فارابی، «ریاست فاضله» نام دارد. دوم
رهبری جامعه‌ای که افرادش چنین گمان می‌کنند
که غایت کارها و روش‌های‌شان، سعادت حقیقی
است و حال آنکه در واقع، چنین نیست. فارابی این
گونه رهبری را «ریاست جاهلیه» می‌نامد.

مدینه فاضله از دیدگاه فارابی، جامعه‌ای است
که «اولاً مقصود غایی آن، سعادت حقیقی باشد و
ثانیاً همه افرادش یکدیگر را برای وصول به این
غایت یاری دهند و ثالثاً همه این افراد، مطابق
مقصود و میل رئیس یعنی رهبر جامعه رفتار کنند.»^{۲۰}
ذکر شرایط رهبری و تقسیم‌بندی جوامع فاضله و
جوامع جاهلیه از دیگر مباحث این قسمت می‌باشد.
آخرین بخش کتاب تحت عنوان «پیوست»،
بخش‌هایی از مقاله گنوویدن گون در رابطه با
فئودالیسم ایرانی را دربر می‌گیرد و شامل
توضیحاتی مختصر در رابطه با فرمانبرداری و
پرستش، کارسپاری و سوگند وفاداری، تیول و
منصب موروثی و اسواران می‌باشد.
در پایان متذکر می‌شود که برخی اشتباهات در
متن کتاب به چشم می‌خورد که امید است در
چاپ‌های بعدی اصلاح گردد به عنوان نمونه در ص
۲۸ کتاب تقسیم‌بندی ۵ گانه اشتباهاً ۳ گانه آمده
است و یا در ص ۳۴ که به جای «جامعه آسیایی»،
اصطلاح «جامعه آسیایی» بکار رفته است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- عنایت حمید: نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام. با تصحیح و مقدمه دکتر صادق زیبا کلام، تهران، ۱۳۷۸، انتشارات روزنه، ص ۱۰.
 - ۲- همان، ص ۲۲ و ۲۳.
 - ۳- همان، ص ۲۷.
 - ۴- همان، ص ۲۹.
- ۵- ویس بذ «مشتق از ویس به معنای ده + بد به معنای نگاهبان = رئیس یا نگاهبان»
در ایران باستان فرماندهان را به ۴ دسته طبقه‌بندی کرده‌اند، رئیس خانه - رئیس ده - رئیس طایفه (ویس بذ)،

گریخت. مصر در آن تاریخ در زیر فرمان سلسله ممالیک بود^{۲۱} سلطان مملوکان در این زمان، رکن‌الدین بیبرس بود. وی برای آنکه به حکومت خویش اعتبار و تقدس دینی ببخشد مقدم المستعصم را گرامی داشت و به اتفاق طبقات و اقباش گوناگون مصر با او بیعت کرده و وی را، «مستعصر، خلیفه بر حق مسلمین» لقب داده و به اسم او خطبه خواند و سکه زد. نکته مهم و درخور توجه در رابطه با این جماعه فرق او با علمای قبل از خود است. «اگر علمای سنی پیش از او کوشیده بودند تا اصول خلافت را به یاری اصول شرعی با اوضاع و مقتضیات سیاسی موجود تطبیق دهند این جماعه یا توجه به زوال قدرت خلفا در نهایت صراحت و گستاخی در خود آن اصول دست برد، او در اصول سنی خلافت سه بدعت مهم آورد. نخست آنکه در کتاب خود کراراً لفظ سلطان و امام یا خلیفه را به طور مترادف ذکر کرده است. دوم آنکه «عهد» را که یکی از شرایط مهم انتخاب خلفا بود، غیر ضروری دانسته و عقیده داشته است که صرف بیعت به خلافت، جنبه مشروع و قانونی می‌دهد. سوم آنکه اگر کسی دارای نیرو و وسیله کافی برای حکومت باشد و برای احراز مقام امامت قیام کند و بر مخالفان چیره شود باید خلافت او را

رئیس کشور. ویسبندان علاوه بر قدرت و اختیار خاص سران قبایل و جوامع روستایی از اعتبار و نیروی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند و یسبندان ۷ خانواده یا طایفه در ایران باستان شهرت فراوان داشتند و این ۷ خاندان عبارتند از: کارن، سورن، مهران، سپندباد، سپاهبد، ساسان و زیک/ لغتنامه دهخدا، ج ۱۵، چاپ ۱۳۷۷، دانشگاه تهران، ص ۲۳۲۶۶.

- ۶- عنایت: پیشین، ص ۴۸.
- ۷- همان، ص ۵۳. شهر بی‌یاساترایی: این کلمه (ساترپ) یونانی شده خشثرون به معنی والی است که به پارسی کنونی باید شهریان گفت و همه شهر را در آن زمان به معنی مملکت استعمال می‌کردند داریوش شاهنشاهی ایران را به چندین بخش تقسیم کرد و هر کدام را به یک خشثریان سپرد (پیرنیا، حسن: ایران باستان، ج ۲، انتشارات دنیای ۱۳۷۰، ص ۱۴۶۷).
- ۸- عنایت: پیشین، ص ۷۱.
- ۹- همان، ص ۸۰.
- ۱۰- همان، ص ۸۳.
- ۱۱- همان، ص ۹۱.
- ۱۲- همان، ص ۱۳۰.
- ۱۳- همان، ص ۱۳۱.
- ۱۴- همان، ص ۱۳۷.
- ۱۵- همان، ص ۱۴۵.

۱۶- ادریسیان یا ادرسیه یا ادرسه (۲۹۶ - ۱۸۴ هـ. ق) توسط ادریس نامی که از نوادگان امام حسن (ع) بود در شمال موجود آمد. اینان نخستین سلسله‌ای بودند که سعی کردند عقاید شیعی را البته به صورتی ضعیف در مغرب رواج دهند. (باسورث: احموند کلیفورد: ترجمه فریتون بدره‌ای، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ ص)، بنی اغلب یا اغالبه (۲۹۶ هـ. ق - ۱۸۴) هـ. ق مناطق حاکمیت آنان آفریقیه، الجزایر، سیسیل (صقلیه) بودموس این سلسله ابراهیم بن اغلب است (باسورث: پیشین، ص ۵۱)؛ طولونیان (۲۹۲ هـ. ق - ۲۵۴): بنی طولون توسط احمدین طولون (طولون از واژه ترکی dolun به معنی ماه تمام یا بدر گرفته شده است) در مصر و شام تأسیس شد.
این سلسله اولین سلسله محلی در مصر و شام بود که از جانب خلیفه بغداد خود مختاری و استقلال به دست آورد. این سلسله به دست سردار خلیفه عباسی محمد بن سلیمان براقفاد (باسورث: پیشین، ص ۷۶).

- ۱۷- مملوکان یا ممالیک. مملوک به معنی غلام است و این کلمه بیشتر در مورد غلامان سفیدپوست به کار می‌رود. سلاطین سلسله ممالیک مصر از غلامان ترک یا چرکسی بودند که ابتدا جزو قراولان مزدور الملک الصالح ایوب بودند اولین ایشان «شجره‌الدرد» دوجه الملک الصالح بود اگر چه چند سالی سلطنت ظاهراً با موسی از بازماندگان خاندان ایوبی بود ولی پس از او ممالیک رسماً سلطنت مصر را به دست گرفتند که از ۶۴۸ هـ. ق تا ۹۲۲ هـ. ق. بر آن سرزمین حکومت می‌کردند. (استانلی لین پل و... تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر، ترجمه صادق سجادی، ج ۱، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۷).
- ۱۸- عنایت: پیشین، ص ۱۶۳ و ۱۶۲.
- ۱۹- پیشین، ص ۱۶۴.
- ۲۰- پیشین، ص ۱۶۶.